

دعا و اذکاری که هر روز آیت الله حق شناس می خوانند

آیت الله حق شناس هر صبح دعاهایی می خوانند که باعث می شد ایشان از خطرات آن روز محفوظ بمانند؛ آیت الله جاودان در اولین جلسه عمومی سخنرانی خود در سال ۱۳۹۸ دو دعا و یک ذکر ایشان را بیان نمودند که در ادامه می آید.

بسم رب المهدي(عج)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی سیرجانی ([سلطان احمدی دات آی آر](#))؛ حضرت آیت الله شیخ محمد علی جاودان (حفظه الله) در اولین جلسه سخنرانی عمومی خود در سال جدید، عصر چهارشنبه ۷ فروردین ۱۳۹۸ درباره دو موضوع مهم چگونگی برآورده شدن حاجات با خواندن چله زیارت عاشورای منقول از آیت الله حق شناس و همچنین ادعیه و اذکاری که روزانه ایشان می خوانند، صحبت کردند.

در پست قبلی بخش اول سخنان آیت الله جاودان درباره نحوه خواندن چله زیارت عاشورا آمد و اینک در این پست بخش دوم سخنان معظم له که درباره اذکار و دعاهایی که هر صبح استاد فقیدشان آیت الله حق شناس(ره) می خوانند، می آید.



بخش دوم سخنان آیت الله جاودان به شرح زیر است:

وقتی شیطان سراغ آیت الله حق شناس آمد! / دعاهایی که

ایشان را حفظ کرد

آیت الله جاودان فرمودند: یک دم غروبی نزدیک مغرب محضر حاج آقا حق شناس مشرف شدیم و ایشان آن روز به علت بیماری مسجد نیامده بودند و مشکلی در داخل دهان نشان پیدا شده بود که صبح به بیمارستان رفته بودند. در بیمارستان هم آن غده را در آورده بودند و باید این غده آزمایش شود که نکند بدخیم باشد.

ایشان آن روز مسجد نیامده بودند و ما نماز به منزل ایشان رفته بودیم، من با آن دوستم وارد اتاق ایشان شدیم، دیدیم ایشان در اتاق قدم می زنند و ما سلام کردیم که ایشان به دنبال سلام فرمودند: **امروز این خبیث دو سه بار سراغ من آمده بود و اگر دعاهایی که صبح من می خوانم نبود توانسته بود ضرری برساند و خطری به بار بیاورد ولی به برکت آن دعاها نتوانست.**

بعد حاج آقا حق شناس فرمودند: من فکر کردم این غده ای که داخل دهان بوده و جراح آن را در آورده که آزمایش کنند باعث شده، من یک ذره حواسم به این مشغول شود، حالا حواسم پرت شده بود.

ورود شیطان از راه های حواس پرتی و شک

ایشان یک لحظه حواسشان پرت شده بود، اصلا از چه چیز پرت شده بود؟ از آن چیزی که ما همیشه حواسمان پرت است، اما برای ایشان یک لحظه و دقایقی حواس از آنجا کم شده بود یا پرت شده بود و از همانجا شیطان وارد شده بود.

اما اگر ما دائم به یاد خدا باشیم، شیطان دیگر دستش به انسان نمی رسد و هیچ گونه سلطنتی بر آدم نخواهد داشت. و سلطنتش بر فرض این است که من خدا را فراموش می کنم و در غفلت هستم.

برای خود بنده گاهی در نماز شک می آید، مثلا شک سه و چهار، این شک چه زمانی می شود، آن لحظاتی که حواسم از نماز بیرون رفته است، شک می آید. یعنی شیطان از راه شک وارد شده است و شیطان شک وارد می کند.

علت فراموش کردن خدا

چرا آدم می تواند همیشه به یاد خدا باشد در عین حالی که دارد کارهایش را انجام می دهد. مثلا بازاری است کسب انجام می دهد، یا درس می خواند، یا درس می دهد، یا در میدان جنگ است و ... اما خدا

را فراموش نمی کند و حواسش پرت نمی شود. اگر آدم خدا را فراموش نکند در واقع دارد ریشه خودش را به یاد می آورد من ریشه خودم را یادم رفته است که خدا را فراموش می کنم. در صورتی که ما همه به خدا تعلق نداریم؟ همه ما از خدا هستیم، انا لله و انا...

خدا با شماست...

قرآن می فرماید: «وَهُوَ مَعَكُمْ... او با شماست»، مثلا مثل ستون خدا با شماست. هر چند ستون مثال کوچکی است. ستون این سقف را نگه داشته است و این دیوار پشتش ستون فولادی است که آن را نگه داشته است. اما خدا همیشه با شما است و ما با تکیه بر او وجود داریم و نفس می کشیم، سلول سلول وجود من، اتم های این سلول ها همه به آن تکیه دارد و این ریشه من است در صورتی که ریشه درخت این قدر نیست.

من خیال این خطر محتمل را سرطان که شوخی نیست آدم اگر در معرضش باشد خیالش

یک خویشاوندی ما داشتیم همین مریضی را داشت و بیمارستان رفته بود و آزمایش کرده بودند و پسر ایشان با پسر خواهرش در منزل داشت تلفنی صحبت می کرد و خواهر زاده هم دکتر بود و پشت تلفن گفت نتیجه آزمایشات این است که تا دو ماه زنده نیست و ایشان هم از طبقه پایین تلفن را برداشته بود و داشت گوش می کردند و وقتی آمدند دیدند ایشان غش کرده است چون شنیده فقط دو ماه دیگر زنده نیست

من دیدم آدمهایی که خبر از مرگشان دارند و خیلی هم خون سرد کارهایشان را انجام می دهند و اینها نادر هستند

در هر صورت آن خانم را بردند بیمارستان ولی فوت کرد

حالا می خواهم عرض کنم یک هم چنین خیالی آمده است اما من خیالش را کنار گذاشته ام و دیگر اصلا خیال درباره این آزمایش و این غده در دهان من فکر نیم کنم و دیگر شیطان هم سر نمی زند بعدها هم فرموده بودند خیالم دست خودم است هر موقع بخواهم در مورد چیزی خیال کنم می کنم نخواهم نمی کنم و این نهایت اقتدار آدمی است

اگر آدمی بر خیالش سلطنت پیدا کند بر همه عالم سلطنت پیدا می کند اگر من بر خیالم اختیار پیدا کردم صاحب اختیار می شود یک وقت

هایی صحبت از صاحب اختیار کردیم که این افراد در بهشت هم صاحب اختیار هستند و سلطنت می کنند آنها کسانی هستند که در دنیا به سلطنت رسیده اند و اینجا صاحب اختیار شده اند.



دعا و اذکاری که هر روز آیت الله حق شناس می خواندند

هر روز صبح حاج آقا حق شناس دعا و اذکاری می خواندن و آن دعاها صبح را مکرر سوال می کنند که این دعاهایی که حاج آقا حق شناس صبح می خواند چه بود؟

مفاتیح را باز کنید، در تعقیبات نماز صبح (این دعاها) آمده است. یک دعاها خیلی خوبی است ولی ما اهل دعا نیستیم، مگر دعا عجیب و غریب باشد آن را می خوانیم.

یکی از دعایی که حاج آقا صبح ها و شب ها می خواندند، دعای اصبحت اللهم معتصما... بود که خیلی دعای خوبی است. وقتی آن را می خوانید یک ذره معانی آن را هم بخوانید که بفهمید چه می گویند.

فرمودند تسبیح تربت در دست داشته باشید و این دعا را سه مرتبه صبح و سه مرتبه شب بخوانید، اما شب که می خوانید به جای اصبحت بگویند امسیت.

دعای صبح و شب ایشان

أَمْسِجْتُ (اَمْسِجْتُ) اللَّهُمَّ - مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ
الْمُنْجِعِ، الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ، مِنْ شَرِّ

كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ ، مِّنْ سَائِرٍ مِّنْ خَلَقْتَ وَ مَا
 خَلَقْتَ ، مِّنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ ، فِي جُنَّةٍ
 مِّنْ كُلِّ مَخُوفٍ ، بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ وَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِ
 نَبِيِّكَ ، مُحْتَجِبًا مِّنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَيَّ أذِيَّةٍ
 بِجِدَارِ حَصِينٍ ، إِلَّا خُلَاصَ فِي الاعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ ، وَ
 التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ ، مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ
 مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ ، أُوَالِي مِّنْ وَالْوَا ، وَ
 أَجَانِبُ مِّنْ جَانِبُوا ، فَأَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِّنْ
 شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ ، يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِي
 عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ، إِنَّمَا جَعَلْنَا
 مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِّنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
 فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ .

خدایا **صبح کردم** (شب کردم) درحالی که پناه آورده ام به پناهگاه
 بلند و استوار تو، پناهگاهی که در معرض دستبرد و دگرگونی قرار
 نمی گیرد، از شرّ هر بیدادگر و هر شبگرد رهنز، از هر که و هرچه
 آفریدی، از آفریدگان خاموش و گویایت، در حفاظتی مصون از گزند
 هرچیز هراسناکی، همراه با لباسی ساخته از محبّت خاندان پیامبرت،
 و در پوششی استوار از هرکه قصد آزار مرا دارد در پس دیوار محکمی
 فراهم آمده، از اخلاص در اعتراف به حق اهل بیت، و تمسک به رشته
 ولایتشان، با یقین به اینکه حق از آن ایشان و با ایشان و در ایشان
 و پابرجا به وجود آن بزرگواران است، دوست دارم کسانی که آنها
 دوست دارند و برکنارم از آنان که ایشان دوری می گزینند، خدایا پس
 به حقشان مرا از گزند هرچه که از آن پروا دارم پناه ده، ای بزرگ،
 از خود دور ساختم دشمنان را به یاری پدید آورنده آسمانها و زمین،
 همانطورکه قرآن درآیه ۹ سوره یس می فرماید: در برابر و پشت سرشان
 سدّی قرار دادیم پس دیدگان آنها را پوشاندیم، ازاین رو هرگز نمی
 بینند.

**صبح بعد از نماز صبح اصبحت و شب بعد از نماز مغرب به جای اصبحت
 بگویند امسیت.**

ذکر صبح

یک ذکر دیگری هم داشتند که وقتی از خواب بیدار می شوید اول اذان
 صبح دست را روی سینه بگذارید و ۷۰ بار «یا فتاح» بگویید.

دعای دیگر صبح

بعد یک دعای دیگری است و زیاد هم طولانی نیست آن دعا هم خیلی دعای
 خوبی است:

بِسْمِ اللّٰهِ وَ صَلَّٰى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ
 اَفْوَضْ اَمْرِيْ اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِصَعِيْرٍ
 بِالْعِبَادِ ، فَوْقَاهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا ، لَا
 اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ
 الظّٰلِمِيْنَ ، فَاَسْتَجِبْ نَدَا لَكَ وَ زَجِّبْ نَدَاهُ مِنْ
 الْغَمِّ وَ كَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِيْنَ ، حَسْبُنَا اللّٰهُ
 وَ نِعْمَ الْوَكِيْلُ ، فَاَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَ
 فَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّهْمُ سَوْءٌ ، مَا شَاءَ اللّٰهُ ، لَا حَوْلَ وَ
 لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ، مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا مَا شَاءَ
 النَّاسُ ،

به نام خدا، درود خدا بر محمد و خاندانش، کارهایم را تنها به خدا
 واگذار می کنم چه خدا به حال بندگان خویش آگاه است (غافر آیه ۴۵)
 ، پس خدا او را از نیرنگ آن ها نگاه داشت، معبودی جز تو نیست،
 پاک و منزهی همانا من از ستمکاران بودم، پس به درخواست او (یونس)
 پاسخ گفتیم و او را از غم رها نیدیم و بدینسان مؤمنان را رهایی می
 بخشیم [انبیاء: ۸] ، خدا ما را بس است و نیکو و کیلی است، پس
 همراه با نعمت و فضل خدا و درحالی که هیچ آسیبی به آن ها نرسیده
 بود بازگشتند، آنچه خدا بخواهد همان می شود، هیچ نیرو و توانی
 نیست جز آنکه به خدا متکی است، آنچه خدا بخواهد آن می شود نه
 آنچه مردمان بخواهند.

من یک روزهایی که یادم می رود (این دعاها را نمی خوانم) در طول
 روز می بینم یک چیزهایی شد و حوادثی پیش آمد.

این دو دعا و آن ذکر را هر روز صبح می خواندند (بعد از نماز صبح)
 و اگر این را یک آدم درستی بخواند، عالم خراب شود بر سر او خراب
 نمی شود اگر باران تیر هم ببارد به او اصابت نمی کند

خطر دشمن خطر دوست خطر تصادف و هر چیز دچار او نمی شود

این دعایی است که در شبی که امیر المومنی در جای پیامبر خوابید
 این دعا را آورده اند برای پیامبر و ایشان به امیر آموخته که مثلا
 اگر این چهل نفر ریخته بودند با شمشیر تیکه تیکه کنند اثر نمی
 کرد یعنی این قدر این دعا مهم است سعی کنید هر روز بخوانید

حاج محمد حسن امین الزب بود که مرحوم جد ما منزلشان روزه می
 خواند و اینها هفتگی روزه داشتند و دهه محرم هم روزه داشتند و در
 روزه خرج می دادند و ایشان برنج و لپه و چیزهای لازم را خرید و
 رسم بود شب تاسوعا و عاشورا خرج می دادند ایشان همه چیز خرید و

۱۲ مثقال هم زعفران خرید و آن روز روزه تمام شد و شب خواب دید حضرت حسین(ع) تشریف آوردند و حضرت عباس(ع) هم خدمتشان هست و گفتند بنویس این مقدار برنج و لپه روغن چیز و چیز برای حاج محمد حسن بنویس و ۸ مثقال زعفران و از خواب بلند شد و گفت حاج خانم من ۱۲ مثقال زعفران خریدم چه شده است و حاج خانم گفت من دیدم ۱۲ مثقال زیاد است و ۴ مثقال آن را کنار گذاشته ام

بنابراین ساعتی هم که پای روزه نشسته اید لحظه هایش هم حساب است

پدیدآورنده:

به قلم: **امیرمحسن سلطان احمدی**

بلاگر، خادم و مروج اهل بیت(ع)

www.soltanahmadi.ir